



این حرکت انگلیسی که فعال مایشاء در قضیه مشروطیت و مابعد مشروطیت بودند، در چه دوره‌ای از تاریخ غرب و تاریخ انگلیس واقع می‌شود؟ از وقتی که غربی‌ها و اروپایی‌ها در اوج نشاط تمدن و پیشرفت علمی و سیاسی‌اند؛ یعنی یک حرکت پر نشاط امیدوار مهاجمی به همه دنیا دارند، که شما ببینید دوران استعمار در این جا به اوج رسیده؛ یعنی همه جا، در واقع همه جای مناطق زرخیز عالم، تحت استعمار است و یکی از جاهایی که باید تحت استعمار قرار بگیرد، این منطقه نفت خیز است. در آن زمان، نقش نفت تازه به مرور داشت برای غربی‌ها واضح می‌شد و شاید در آن روز مهمتر از نفت برای آنها مسأله ایجاد یک حائلی برای هندوستان بود؛ چون هندوستان برای انگلیس‌ها خیلی مهم بود و مناطق ایران و عراق حائلی بودند که نگذارند روس‌تزاری به هندوستان دست پیدا کند. بنابراین، ایران یکی از آماج‌ها و اهداف حتمی انگلیس‌ها بود.

در آن چهارده سال این‌ها چه کار کردند؟ اول، فرصت‌طلبی کردند و تا این حرکت عدالت‌خواهی مشروطیت را در ایران به وسیله عوامل شان از نزدیک حس کردند، خیلی ماهرانه روی این حرکت دست گذاشتند و آن را در اختیار گرفتند. جزو اولین کارهایی هم که کردند، این بود که ارکان اصلی جنبه دیگر این حرکت را که جنبه دینی و ملی باشد، از صحنه حذف کردند، بعد هم با استفاده از هرج و مرجی که در ایران به وجود آمد - می‌توان احتمال داد که خیلی از این موارد هرج و مرج (حوادث آذربایجان، حوادث شمال غربی کشور و مسأله ارومیه) با تحریک خود این‌ها بوده، که قرائنی هم دارد. اتفاقاً «کسروی» حوادث شمال غربی کشور را خیلی خوب تشریح می‌کند و انسان می‌بیند چه اتفاقی آن‌جا افتاده - زمینه را برای یک حکومت استبدادی مطلق، یعنی همان چیزی که مشروطه ضد او آمده بود، فراهم کردند و بعد هم در ۱۲۹۹ این مستبد را آوردند سر کار؛ یعنی چهارده سال طول می‌کشید تا جامعه استبدادی‌ای را که به وسیله نهضت ملی و اسلامی مردم داشت مضمحل می‌شد، با مقدماتی که خودشان انجام دادند، به یک جامعه استبدادی غیر قابل اضمحلال تبدیل کنند.